



شیوه های احقاق حق دارنده چک بلامحل

حمیدرضا یوسفی نژاد *

* کارشناس ارشد حقوق تجارت بین الملل و وکیل پایه یک دادگستری

Hamid.yosefi@gmail.com

چکیده

در سیستم بانکی کشور ما انواع مختلف چک مورد استفاده قرار می گیرد که چک عادی به عنوان رایجترین سند تجاری بیشترین استفاده را در روابط معاملاتی دارد و به همین جهت قانونگذار حمایتهای ویژه ای از این سند تجاری نموده است . دارنده چک بلامحل به غیر از طرح دعوی حقوقی برای احقاق حق خود می تواند به دو راهکار دیگر نیز تمسک جوید . از آنجا که قانونگذار صدور چک بلامحل را جرم انگاری نموده و چک را در حکم اسناد لازم الاجرا دانسته است اقامه دعوی کیفری و مراجعه به اجرای ثبت نیز دو راهکار مختص به چک برای احقاق حق می باشد .

کلید واژگان : چک بلامحل ، عدم پرداخت ، تعقیب کیفری ، دعوی حقوقی ، تأمین خواسته ، اجرای ثبت

مقدمه

چک به عنوان رایجترین سند تجاری از نظر قانونگذار واجد ویژگیهای مشخصی است اینکه به چه سندی چک گفته می شود و انواع چک چیست و اشخاص دخیل در آن کدامند موضوع مباحث اول و دوم این مقاله است و چک بلامحل یا چک پرداخت نشده و در واقع علل عدم پرداخت وجه چک ، موضوع مبحث سوم این نوشتار است در بخش دوم مقاله به اقامه دعوی در رابطه با چک بلامحل می پردازیم . هدف دارنده چک وصول وجه آن و در واقع احقاق حق خویش می باشد . دارنده این سند تجاری ، در صورت مواجه شدن با عدم پرداخت ، از سه روش می تواند صادر کننده و یا عندالاقضاء سایر مسؤولین سند تجاری (از قبیل ظهرنویسان و ضامنین) را ملزم به پرداخت وجه نماید که در طی سه مبحث ، در بخش دوم به بررسی این موضوع پرداخته ایم .

مبحث اول : تعریف و انواع چک

گفتار اول : تعریف چک

مطابق ماده ۳۱۰ قانون تجارت « چک نوشته ای است که به موجب آن ، صادر کننده وجوهی را که نزد محال علیه دارد ، کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می کند . » چک ماهیتاً نوعی حواله است که به موجب آن صاحب حساب جاری بانکی با صدور چک دارنده را به بانک خود حواله می دهد اما این حواله با تشریفات خاص و روی فرم مخصوص (برگ چک) که قبلاً توسط بانک طبق ضوابط در اختیار صاحب حساب گذاشته صورت می پذیرد . هر چند در قانون صدور چک تعریف دقیقی از آن نشده ولی با توجه به مجموع مواد این قانون می توان گفت چک نوشته ای است که محال علیه آن ضرورتاً یک بانک است . بنابراین از منظر قوانین و عرف حقوقی رایج در ایران چک « ورقه ای است که به وسیله آن ، صادر کننده مبالغی را که در حساب بانکی خود دارد برداشت نموده و یا به بانک دستور می دهد که مبلغی از موجودی حساب خود را به شخص ثابت یا به حواله کرد شخص مزبور پرداخت کند » .

گفتار دوم : انواع چک

به موجب ماده ۱ قانون صدور چک (مصوب ۱۳۷۲ با اصلاحات بعدی ۱۳۸۲) انواع چک عبارت است از :

- « ۱ - چک عادی : چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادر کننده آن ندارد .
- ۲ - چک تأیید شده : چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تأیید می شود .
- ۳ - چک تضمین شده : چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می شود .
- ۴ - چک مسافرتی : چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هریک از شعب آن بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می گردد . »

از میان انواع چک مذکور چک عادی موجد بحثهای حقوقی متعددی است و عملاً دارندگان اینگونه چکها ممکن است به دلایل متعدد در هنگام مراجعه به بانک با عدم پرداخت وجه مواجه و نهایتاً ممکن است مشکلاتی نظیر مسروقه بودن یا جعلی بودن

چک مطرح گردد لذا در این نوشتار هدف بررسی چک عادی است و در ادامه بحث هر جا سخن از چک می رود منظور همان چک عادی می باشد .

مبحث دوم : اشخاص دخیل در چک

گفتار اول : بانک

همانگونه که ذکر شد مطابق قانون صدور چک ، ورقه ای چک محسوب می گردد که عهده بانک صادر گردد . با توجه به قانون بانکی و پولی کشور « بانک موسسه ای است مالی که به صورت شرکت سهامی مطابق قانون تشکیل گردیده و به عملیات بانکی اشتغال دارد . » دولتی بودن بانک شرط نیست و تفاوتی بین بانکهای دولتی و خصوصی در این مورد وجود ندارد اما موسسات مالی و موسسات قرض الحسنه بانک محسوب نمی گردند و ورقه هایی که به تقلید از بانکها به عنوان چک یا هر عنوان دیگری توسط این موسسات ، در اختیار دارندگان حساب گذاشته شده چک نبوده و ماهیتاً حواله می باشد لذا دارنده این نوع حواله ها در صورت عدم وصول وجه خود به هر دلیل از جمله کسری موجودی صادر کننده ، از حمایتهای مذکور در قانون صدور چک برخوردار نمی باشد .

گفتار دوم : صادر کننده

صاحب حساب جاری ممکن است شخص حقیقی یا حقوقی باشد . در مواردی که چک از حساب اشخاص حقوقی مانند شرکتها صادر می شود دارندگان حق امضاء در واقع نمایندگان این اشخاص تلقی می شوند . افرادی که حق امضاء اسناد تعهدآور را دارند قبلاً هنگام افتتاح حساب جاری به بانک معرفی شده اند و در صورتی که وجه چک پرداخت نشود مسوولیت کیفری متوجه این افراد است و در مورد مسوولیت حقوقی چک پرداخت نشده نیز امضاء کنندگان چک متضامناً با صاحب حساب ، مسوول پرداخت وجه چک می باشند یعنی هم صاحب حساب (شخص حقوقی) و هم اشخاص حقیقی امضاء کننده چک موظف به پرداخت وجه چک هستند . در مورد چک صادره از حساب اشخاص حقوقی نیز هرگاه شخصی چک را به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب امضاء کرده باشد حکم فوق جاری است . در صورتی که چک از حساب مشترک با دو امضاء یا بیشتر صادر شده باشد تمامی امضاء کنندگان چک واجد مسوولیت کیفری بوده و از نظر حقوقی نیز متضامناً مسوول پرداخت وجه چک می باشند .

گفتار سوم : دارنده

به موجب ماده ۳۱۲ قانون تجارت : « چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد » در صورتی که چک در وجه شخص حامل صادر گردد هر شخص که چک را به بانک ارائه کند دارنده قانونی شناخته می گردد و بانک با ثبت مشخصات شخص در پشت چک و احراز هویت وجه چک را پرداخت می کند اما در صورتی که چک در وجه شخص معین صادر شود تنها شخص اخیر حق وصول چک را دارد و در صورتی که این شخص بخواهد چنین چکی را به دیگری واگذار کند تنها در صورتی که عبارت « بحواله کرد » در روی چک خط نخورده باشد واگذاری چک با درج امضاء این شخص در پشت چک امکان پذیر است به این عمل اصطلاحاً ظهرنویسی می گویند و شخصی که امضاء وی پشت چک درج شده ظهرنویس نامیده شده و از لحاظ حقوقی با صادر کننده در پرداخت وجه چک مسوولیت تضامنی خواهد داشت باید توجه داشت که ظهرنویسی چک فقط به منظور انتقال صورت نمی گیرد ممکن است دارنده چک به علت عدم شناخت کافی از صادر کننده یا هر علت دیگری تمایل داشته باشد که علاوه بر صادر کننده شخص دیگری نیز پرداخت وجه چک را تضمین نماید در این صورت هر شخصی که پشت چک را امضاء نماید ظهرنویس تلقی شده و علاوه بر صادر کننده او نیز مسوول پرداخت وجه چک تلقی خواهد شد .

مبحث سوم : علل عدم پرداخت چک

در این مبحث به بررسی دلایلی که بانک به استناد آن از پرداخت وجه چک خودداری کرده و گواهی عدم پرداخت صادر می نماید می پردازیم .

گفتار اول : ایرادات شکلی چک

در صورتی که در متن چک قلم خوردگی وجود داشته باشد یا در مندرجات چک اعم از مبلغ و تاریخ و غیره اختلافی وجود داشته باشد بانک از پرداخت وجه چک خودداری می نماید و در عمل در اینگونه موارد دارنده چک با مراجعه به صادر کننده می تواند مشکل را مرتفع نماید بدین طریق که صادر کننده با درج مبلغ یا تاریخ صحیح یا توضیح قلم خوردگی در پشت چک و امضاء ذیل آن سند را اصلاح نماید در غیر اینصورت دارنده می تواند از بانک تقاضای صدور گواهی عدم پرداخت نماید . در صورتی که امضای ذیل چک با نمونه امضاء موجود در بانک تطبیق ننماید بانک وجه

چک را پرداخت نخواهد کرد در صورتی که وجه چک به هر علتی پرداخت نشود بانک مطابق ماده ۴ قانون صدور چک موظف است در گواهینامه عدم پرداخت مطابقت یا عدم مطابقت امضاء صادر کننده با امضاء موجود در بانک را در حدود عرف بانکداری تصدیق نماید .

گفتار دوم : کسر موجودی

صادر کننده باید در تاریخ مندرج در چک معادل وجه چک در بانک وجه نقد داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده ، به صورتی از بانک خارج نماید بنابراین اگر موجودی حساب صادر کننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد دارنده می تواند یکی از اقدامات ذیل را انجام دهد .

الف - از بانک تقاضا نماید که مبلغ موجود در حساب را به او بپردازد در این صورت دارنده چک با قید مبلغ دریافت شده در پشت چک و تسلیم آن به بانک ، گواهی نامه مشتمل بر مشخصات چک و مبلغی که پرداخت شده از بانک دریافت می نماید چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده بی محل محسوب و گواهی نامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک خواهد بود (ماده ۵ قانون صدور چک)

ب - با درج مشخصات خود پشت چک از بانک گواهینامه عدم پرداخت دریافت نماید .

گفتار سوم : دستور عدم پرداخت

« صادر کننده چک یا ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده می تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد » (ماده ۱۴ قانون صدور چک)

ذینفع کسی است که چک به نام او صادر یا ظهرنویسی شده یا چک در وجه حامل به او واگذار گردیده باشد در موردی که دستور عدم پرداخت مطابق این ماده صادر می شود بانک مکلف است وجه چک را (در صورتی که حساب موجودی داشته باشد) تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستور دهنده در حساب مسدودی نگهداری نماید .

دستور دهنده مکلف است پس از اعلام به بانک شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم و حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم نماید در غیر اینصورت پس انقضاء مدت مذکور بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت می کند باید توجه داشت که هرگاه خلاف ادعایی که موجب صدور

دستور عدم پرداخت گردیده ثابت گردد دستور دهنده با شکایت دارنده چک علاوه بر مجازات مقرر برای صدور چک بلامحل به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک نیز محکوم خواهد شد .

بخش دوم : اقامه دعوی در رابطه با چک بلامحل

چنانچه دارنده چک به هر تقدیر موفق به وصول وجه آن نگردد جهت مطالبه وجه آن سه راه وجود دارد که بسته به مورد با انتخاب صحیح هر یک از راهها می توان وجه چک را وصول نمود .

مبحث اول : تعقیب کیفری صادر کننده چک بلامحل

گفتار اول : چک قابل تعقیب کیفری

قانونگذار از میان اسناد تجاری ، فقط از چک حمایت کیفری نموده بدین معنی که صدور چک بلامحل را جرم دانسته و صادر کننده قابل تعقیب کیفری و مستوجب مجازات شناخته شده است . صدور چک بلامحل در واقع نوع خاصی از کلاهبرداری است چرا که صادر با صدور چک در واقع به طور ضمنی اعلام می کند که معادل وجه چک در بانک موجودی دارد و در ازای پرداخت چک ، کالا یا خدمات شخص دیگر را تحصیل می کند تا قبل از تصویب قانون چک ،

صدور چک بلامحل از مصادیق کلاهبرداری بود اما با تصویب این قانون دارنده چک از دشواری اثبات قصد مجرمانه صادر کننده رهایی یافت و صدور چک بلامحل خود بخود جرم دانسته شد . اما با اصلاحات قانون در سال ۸۲ هر چک بلامحلی واجد جنبه کیفری نبوده و مطابق ماده ۱۳ در موارد ذیل صادر کننده چک قابل تعقیب کیفری نیست .

الف - در صورتی که ثابت شود چک سفید امضاء داده شده باشد .

ب - هر گاه در متن چک ، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد .

ج - چنانچه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است .

د - هر گاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است .

ه - در صورتی که ثابت گردد چک بدون تاریخ صادر و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد .

به موجب تبصره الحاقی ماده ۷ قانون صدور چک نیز در مواردی که ثابت شود چک های بلامحل بابت معاملات نامشروع یا بهره ربوی صادر شده وصف کیفری چک زایل می گردد .

گفتار دوم : شرایط شکلی تعقیب صادر کننده

تعقیب کیفری فقط علیه صادر کننده صورت می پذیرد بنابراین ظهرونیسان چک مسوولیت کیفری ندارند تعقیب کیفری هنگامی امکان پذیر است که دارنده چک ظرف مهلت مقرر نزد مرجع قضایی صالح اعلام شکایت کند مرجع قضایی صالح دادسرای عمومی محلی است که بانک محال علیه در حوزه قضایی آن واقع است . دارنده چک می بایست ظرف مهلت شش ماه از تاریخ صدور چک نسبت به اخذ گواهی عدم پرداخت از بانک اقدام نماید و موظف است ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت خود را مطرح نماید در غیر اینصورت دیگر حق شکایت کیفری را نخواهد داشت . جهت طرح شکایت کیفری کپی مصدق (برابر اصل) چک ، کپی مصدق (برابر اصل) گواهی عدم پرداخت تنظیم شکواییه و ابطال تمبر به مأخذ قانونی ضروری است .

باید توجه داشت تنها کسی حق طرح شکایت کیفری دارد که گواهی عدم پرداخت به نام او صادر شده باشد و کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل شده حق شکایت کیفری نخواهد داشت مگر آنکه انتقال قهری باشد . در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را بوسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بی محل بودن چک محفوظ باشد ، باید هویت و نشانی خود را با تصریح نمایندگی شخص مذکور در ظهر چک قید نماید و در این صورت بانک گواهی عدم پرداخت را به نام صاحب چک صادر می کند و حق شکایت کیفری او محفوظ خواهد بود .

هرگاه بعد از شکایت کیفری ، شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به هر نحو به دیگری واگذار نماید تعقیب کیفری موقوف خواهد شد .

گفتار سوم : روند رسیدگی به دعوی کیفری چک

پس از طرح شکایت مطابق شرایط مقرر در گفتار قبلی روند رسیدگی معمولاً به شکل ذیل است

۱ - معاونت ارجاع دادسرا پس از ملاحظه شکواییه و بررسی شرایط شکلی آن پرونده را به یکی از شعب دادیاری و یا بازپرسی ارجاع می دهد .

۲ - پرونده در رایانه دادسرا با ذکر مشخصات شاکی و مشتکی عنه و نوع جرم ثبت می گردد .

۳ - پرونده به شعبه مربوطه واصل و دادیار یا بازپرس آن شعبه رسیدگی قضایی به پرونده را شروع می کند در این مرحله از طریق دفتر شعبه یا دستور مستقیم به کلانتری اخطار سه روزه ای برای صادر کننده چک ارسال می گردد و پس از این اخطار نیز چنانچه متهم خود را معرفی نکند برگ جلب نامبرده صادر می شود اگر حتی با صدور برگ جلب شاکی موفق به دستگیری متهم نگردد جلب قانوناً قابل تمدید است ولی برخی از قضات جهت جلوگیری از طولانی شدن جریان دادرسی ترجیح می دهند پس از انقضای مدت جلب وقت رسیدگی تعیین و رأی غیابی صادر کنند .

در صورتی که متهم در دادسرا حاضر شود و نتواند با توسل به یکی از دلایل قانونی (وعده دار بودن چک ، امانی یا تضمینی بودن چک ، مشروط بودن چک و) ثابت کند که چک واجد وصف کیفری نیست دادیار یا بازپرس پرونده مطابق قانون آیین دادرسی کیفری قرار تأمین مناسب صادر خواهد کرد که معمولاً قرار تأمین در مورد چکهای با مبلغ پایین قرار کفالت و در مورد چکهای با مبلغ بالا قرار وثیقه خواهد بود و متهم در صورت معرفی کفیل (کاسب با جواز کسب و کارت شناسایی معتبر یا کارمند با فیش حقوقی و کارت شناسایی معتبر) یا تودیع وثیقه (وجه نقد ، ضمانت نامه بانکی ، مال غیر منقول) آزاد و در غیر اینصورت به زندان معرفی خواهد شد . در نهایت چنانچه دادیار یا بازپرس پرونده متهم را مجرم تشخیص داد و اتهام صدور چک بلامحل را احراز نمود قرار مجرمیت نامبرده را صادر و پس از تأیید دادستان (دادیار اظهارنظر) کیفر خواست صادر می شود و در غیر اینصورت قرار منع تعقیب صادر می گردد که قابل اعتراض در دادگاه عمومی است پس از صدور کیفر خواست پرونده به دادگاه عمومی ارسال می گردد و وقت رسیدگی به شاکی و متهم و یا در صورت معرفی وکیل به وکیل ایشان ابلاغ می گردد و در این مرحله نیز شاکی اظهارات و متهم دفاعیات خود را بیان می دارد چنانچه متهم دفاع مؤثری ننماید قاضی حکم به مجازات متهم خواهد داد و چنانچه متهم دفاعیات موجه و مؤثری ارائه نماید و دادگاه بیگناهی نامبرده را احراز نماید حکم به برائت وی صادر می نماید که در هر دو صورت رأی قابل تجدید نظر خواهی است و پرونده پس از تجدید نظر خواهی (با رعایت شرایط و ظرف مهلت مقرر) قابل رسیدگی در دادگاه تجدید نظر استان خواهد بود .

گفتار چهارم: آثار تعقیب کیفری متهم

در تعقیب کیفری هدف قانونگذار اساساً مجازات متهم است بنابراین در تعقیب کیفری چک دادگاه نهایتاً در صورت احراز مجرمیت رأی به مجازات صادر کننده چک خواهد داد که مطابق ماده ۷ قانون صدور چک به شرح ذیل می باشد .

الف - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده میلیون ریال باشد به حبس تا حداکثر شش ماه محکوم خواهد شد .

ب - چنانچه مبلغ مندرج در چک از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال باشد از شش ماه با یک سال حبس محکوم خواهد شد .

ج - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون ریال بیشتر باشد به حبس از یک تا دو سال و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال محکوم خواهد شد .

البته قابل ذکر است که مطابق ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مجازاتهای فوق قابل تخفیف و یا تبدیل به جزای نقدی است که قاضی دادگاه بدوی یا تجدید نظر در صورت احراز شرایط مقرر در قانون فوق الذکر می تواند حکم تخفیف مجازات یا تبدیل حبس به جزای نقدی صادر نماید .

با توجه به این موضوع سؤالی که مطرح می شود این است که نتیجه عملی تعقیب کیفری برای دارنده چک بلامحل چیست ؟ صرف مجازات دارنده چک برای شاکی مالباخته کافی نیست و هدف نهایی دارنده چک وصول وجه آن است آیا در تعقیب کیفری نهایتاً دارنده به وجه چک خود خواهد رسید ؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت هرچند دادگاه تا زمانی که دادخواست حقوقی مطالبه وجه چک تقدیم نشده باشد حکم به پرداخت وجه چک صادر نخواهد کرد اما تعقیب کیفری این مزیت را دارد که صادر کننده می تواند با پرداخت وجه چک از مجازات رهایی یابد و از این رهگذر دارنده چک به احتمال زیاد می تواند وجه چک خود را وصول نماید ماده ۱۲ قانون صدور چک در این زمینه مقرر میدارد « هرگاه قبل از صدور حکم قطعی ، شاکی گذشت نماید و یا این که متهم وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند ، یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور (از تاریخ ارائه چک به بانک) را فراهم کند ، یا در صندوق دادگستری یا اجراء ثبت تودیع نماید مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد .»

« هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند و یا این که محکوم علیه به ترتیب فوق موجبات پرداخت وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید اجرای حکم موقوف می شود ... »

باید توجه داشت که تعقیب کیفری متهم صدور چک بلامحل اثر تبعی دیگری دارد به موجب ماده ۲۱ قانون صدور چک « بانکها مکلفند کلیه حسابهای جاری اشخاص را که بیش از یکبار چک بی محل صادر کرده و تعقیب آنها منتهی به صدور کیفر خواست شده باشد بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری دیگری باز ننمایند . »

به شرح این ماده و سوء اثر چک بلامحل و رفع آن در مجال دیگری خواهیم پرداخت .

مبحث دوم : طرح دعوی حقوقی

در بسیاری از موارد ممکن است تعقیب کیفری صادر کننده چک ممکن نباشد یا تعقیب کیفری صادر کننده به نتیجه نرسیده و یا حتی صادر کننده چک فوت نموده باشد در اینصورت مطالبه وجه چک از طریق دیگر ضروری به نظر می رسد یکی از این راهکارها طرح دعوی حقوقی مطالبه وجه چک است که ذیلاً به جزئیات آن می پردازیم.

گفتار اول : شرایط شکلی طرح دعوی حقوقی

بر خلاف شکایت کیفری می توان علاوه بر صادر کننده علیه ظهر نویسان چک هم طرح دعوی حقوقی نمود حتی در صورت فوت صادر کننده اقامه دعوی حقوقی علیه وراث او نیز امکان پذیر است طرح دعوی حقوقی با تقدیم دادخواست به دادگاه حقوقی صالح صورت می پذیرد .

دادخواست و ضامنه آن می بایست به تعداد خواندگان به علاوه یک نسخه تقدیم گردد بر روی دادخواست نیز می بایست به میزان مقرر در قانون تمبر ابطال نمود در مورد دعاوی چک می بایست فتوکپی مصدق چک و گواهینامه عدم پرداخت را ضمیمه دادخواست نمود .

مطابق قانون در دعاوی با خواسته تا مبلغ پنج میلیون ریال شورای حل اختلاف و دعاوی با خواسته بالاتر از پنج میلیون ریال دادگاه حقوقی صالح به رسیدگی می باشد . مطابق رأی وحدت رویه شماره ۶۸۸ هیأت عمومی دیوانعالی کشور خواهان می تواند به اختیار خود به هریک از دادگاههای محل صدور چک یا محل استقرار بانک محل علیه و یا دادگاه محل اقامت خوانده مراجعه کند .

در دادخواست می توان علاوه مطالبه اصل چک سایر خسارات را نیز مطالبه کرد که این خسارات شامل هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل و خسارت تأخیر تأدیه است .

گفتار دوم : تأمین خواسته

دارنده چک برای اینکه اطمینان خاطر پیدا کند که صادر کننده یا ظهر نویسان چک به هر علت نتوانند اموال خود را مخفی کنند یا به سایرین منتقل کنند می تواند از دادگاه درخواست صدور قرار تأمین خواسته نماید تا پس از صدور رأی براحتی بتواند آنرا اجرا نماید .

مطابق قانون آئین دادرسی مدنی می توان قبل از طرح دعوی درخواست صدور قرار تأمین خواسته نمود در این صورت نهایتاً می بایست ظرف مدت ۱۰ روز از زمان صدور قرار ، دعوی اصلی را اقامه نمود .

صدور قرار تأمین خواسته را می توان همزمان با تقدیم دادخواست اصلی درخواست نمود در اینصورت در ستون تعیین خواسته ، علاوه بر ذکر خواسته اصلی (مطالبه وجه چک) درخواست صدور قرار تأمین خواسته را باید قید نمود . پس از اقامه دعوی و در طول جریان رسیدگی به پرونده نیز می توان درخواست صدور قرار تأمین خواسته نمود .

گفتار سوم : روند رسیدگی به دعوی حقوقی

پس از تقدیم دادخواست ، معاونت ارجاع مجتمع قضایی ، پرونده را جهت رسیدگی به یکی از شعب حقوقی ارجاع می دهد دفتر شعبه چنانچه پرونده کامل باشد وقت رسیدگی را تعیین و به طرفین ابلاغ می کند (وقت رسیدگی معمولاً ۲ تا ۴ ماه پس از تقدیم دادخواست است) در موقع مقرر جلسه دادگاه تشکیل و چنانچه خوانده دفاع موجهی به عمل نیاورد قاضی رأی را صادر و از طریق دفتر دادگاه به نشانی اعلامی طرفین ابلاغ می نماید که رأی پس از ابلاغ ظرف مهلت بیست روز قابل تجدیدنظر خواهی در دادگاه تجدیدنظر استان است .

روند رسیدگی در شورای حل اختلاف نیز مشابه ترتیب فوق است با این تفاوت که اوقات رسیدگی شورا معمولاً نزدیکتر است و مرجع اعتراض به رأی شورا نیز دادگاه عمومی است .

چنانچه خوانده در جلسه رسیدگی حاضر نشود یا اینکه از ابتدا خوانده مجهول المکان بوده و از طریق نشر آگهی به جلسه دادرسی دعوت شود رأی دادگاه غیابی بوده و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همان دادگاه و پس از آن قابل تجدیدنظر خواهی است .

گفتار چهارم : اجرای حکم

پس از صدور رأی با درخواست محکوم له اجرائیه صادر می شود و متعاقب آن محکوم علیه موظف است ظرف مهلت ۱۰ روز پس از ابلاغ اجرائیه نسبت به اجرای رأی (پرداخت وجه چک و خسارات موضوع رأی) به انضمام پرداخت نیم عشر اجرایی (هزینه اجرا معادل ۵ درصد مبلغ محکومیت) اقدام کند . چنانچه محکوم علیه به این تکلیف خود عمل نکند محکوم له می تواند با شناسایی اموال او و معرفی آن به مأمور اجرا تقاضای توقیف و مزایده اموال او را بنماید و اگر قبلاً در اجرای قرار تأمین خواسته مالی از آن شخص توقیف کرده تقاضای مزایده همان اموال را بنماید در صورتی که هیچ مالی از محکوم علیه سراغ نداشته باشد می تواند تقاضای اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی بنماید مطابق این قانون محکوم علیه حبس خواهد شد البته محکوم علیه اگر واقعاً قادر به پرداخت مبلغ چک و خسارات نباشد و بتواند اعسار (عدم توانایی مالی) خود را ثابت کند پس از صدور رأی دادگاه مبنی بر اعسار از بازداشت آزاد خواهد شد و می بایست طبق رأی اعسار بدهی خود را به طور اقساط پرداخت کند .

مبحث سوم : مراجعه به اجرای ثبت

مطابق ماده ۲ قانون صدور چک « چک های صادره عهده بانک هایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا می شوند همچنین شعب آنها در خارج از کشور در حکم اسناد لازم الاجراست و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد می تواند طبق قوانین و آیین نامه های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقی مانده آن را از صادر کننده وصول نماید »

گفتار اول : تشریفات شکلی اجرای ثبت

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور عهده دار اجرای اسناد رسمی است چک نیز هر چند سند رسمی نیست ولی قانونگذار آنرا در حکم اسناد رسمی لازم الاجرا قلمداد کرده و وظیفه اجرای آنرا به همین سازمان محول نموده است . دارنده چکی که منتهی به صدور گواهی عدم پرداخت شده باشد می تواند به اجرای اسناد رسمی اداره ثبت اسناد و املاک که بانک محال علیه در آن واقع است مراجعه و تقاضای صدور اجرائیه نماید .

مدارک لازم برای صدور اجرائیه ثبتی عبارتند از : ۱ - تقاضای صدور اجرائیه چک ۲ - اصل چک ۳ - اصل گواهی عدم پرداخت .

باید توجه داشت اجراء ثبت در صورتی دستور اجراء صادر می کند که مطابقت امضای چک با نمونه امضای صادر کننده در بانک ، از طرف بانک گواهی شده باشد . بنابراین چکهایی که به علت عدم تطابق امضاء منجر به صدور گواهی عدم پرداخت شده باشند در اجرای ثبت قابل تعقیب نیستند .

اجرائیه ثبتی فقط بر علیه صادر کننده قابل صدور است بنابراین از طریق اجرای ثبت بر علیه ظهر نویسان و ضامنین چک نمی توان اقدام نمود . مبلغ اجرائیه نیز دقیقاً بر اساس مبلغ چک می باشد و این به این معناست که خسارات تأخیر تأدیه از طریق اجرای ثبت قابل وصول نیست البته دارنده چک می تواند در صورت تمایل برای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه به دادگاه حقوقی مراجعه نماید از متقاضی اجرائیه ثبتی بدو هزینه ای دریافت نمی گردد بلکه در صورت صدور اجرائیه پنج درصد مبلغ چک (معروف به نیم عشر اجرایی) از صادر کننده چک به نفع دولت وصول خواهد شد .

گفتار دوم : روند رسیدگی و صدور اجرائیه و آثار آن

پس از اینکه دارنده چک تقاضانامه خود را به انضمام مدارک مذکور به اجرای ثبت محل تقدیم کرد براساس مبلغ چک علیه صادر کننده اجرائیه صادر می شود و پس از امضای اجرائیه و تشکیل پرونده ، برگ اجرائیه برای ابلاغ به مرجع ابلاغ کننده ارسال می گردد . بدهکار ظرف مهلت ده روز پس از ابلاغ اجرائیه مهلت دارد مفاد آنرا به اجراء بگذارد و یا ترتیبی برای پرداخت دین خود انجام دهد و یا مالی معرفی کند . متعهدله می تواند قبل از انقضای مهلت ده روزه مذکور در فوق تقاضای تأمین طلب خود را بکند در این صورت اداره ثبت بلافاصله پس از ابلاغ اجرائیه معادل موضوع لازم الاجراء را از اموال متعهد بازداشت می کند .

چنانچه بدهکار ظرف مهلت مقرر (ده روز پس از ابلاغ) اقدامی ننماید بستانکار (متعهد له) می تواند تقاضای توقیف اموال مدیون را به اداره ثبت ارائه دهد این اموال اعم از غیر منقول و منقول و حتی کسر از حقوق و بازداشت وجه یا اموال نزد شخص ثالث می باشد ضمناً بستانکار می تواند ممنوعیت خروج متعهد له از کشور را تقاضا نماید .

پرونده اجرایی به یکی از صورتهای ذیل خاتمه می یابد

۱ - توقیف و مزایده اموال بدهکار و استیفای موضوع اجرائیه و نیم عشر اجرایی

۲ - اعلام رضایت بستانکار

۳ - پرداخت بدهی به حساب سپرده توسط بدهکار و نیم عشر اجرایی به حساب درآمد عمومی

برابر آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی

« عملیات اجرایی بعد از صدور دستور اجراء ، شروع و هر کس (اعم از متعهد و هر شخص ذینفع) که از عملیات اجرائی شکایت داشته باشد می تواند شکایت خود را با ذکر دلیل و ارائه مدارک به رئیس ثبت محل تسلیم کند و رئیس ثبت محل مکلف است فوراً رسیدگی نموده و با ذکر دلیل رأی صادر کند نظر رئیس ثبت به هر حال برابر مقررات به اشخاص ذینفع ابلاغ می شود و اشخاص ذینفع اگر شکایتی از تصمیم رئیس ثبت داشته باشند می توانند ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ ، شکایت خود را به ثبت محل و یا هیأت نظارت صلاحیتدار تسلیم نمایند . »

باید توجه داشت که « دعوی صادر کننده چک در مورد مطالبی که گاهی به عنوان بابت در متن چک نوشته می شود و همچنین مطالب مذکور در ظهر چک در مورد ظهرویس قابل رسیدگی نمی باشد »

در صورتی که شکایت صادر کننده چک نسبت به عملیات اجرایی نبوده بلکه نسبت به اصل موضوع معترض باشد ، اثبات عدم استحقاق دارنده نسبت به وجه چک و طرح دعوی در مراجع قضایی ضروری است و علاوه بر آن در صورتی که بخواهد از تعقیب عملیات اجرایی جلوگیری کند باید از مقام قضایی دستور توقیف عملیات اجرایی صادر گردد.

نتیجه گیری

با توجه به قوانین و عرف حقوقی رایج در ایران چک را می توان اینگونه تعریف نمود « ورقه ای است که به وسیله آن ، صادر کننده مبالغی را که در حساب بانکی خود دارد برداشت نموده و یا به بانک دستور می دهد که مبلغی از موجودی حساب خود را به شخص ثالث یا به حواله کرد شخص مزبور پرداخت کند »

چک انواع متعددی دارد که رایجترین آن چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادر کننده آن ندارد لذا همواره این احتمال وجود دارد که با مراجعه به بانک به دلایل مختلف اعم از ایرادات شکلی در تنظیم مندرجات چک ، کسر موجودی یا دستور قبلی ذینفع به بانک مبنی بر عدم پرداخت ، دارنده موفق به وصول وجه چک نشود .

دارنده چک بلامحل می تواند از طرق مختلف نسبت به احقاق حق خود اقدام نماید ساده ترین و سریعترین روش ، تعقیب کیفری صادر کننده چک می باشد اما این روش علیرغم سادگی و سرعت همواره قابل اعمال نیست و با توجه به اصلاحات اخیر قانون چک ، صادر کننده به معاذیر مختلفی از جمله وعده دار بودن ، سفید امضاء بودن ، مشروط بودن ، تضمینی بودن چک یا نامشروع بودن و ربوی بودن منشأ صدور چک متوسل شود از طرف دیگر تعقیب کیفری فقط علیه صادر کننده چک ممکن است و ظهنویس و ضامن مسوولیت کیفری ندارند .

در رأی کیفری صادر کننده ملزم به پرداخت وجه چک نمی گردد لیکن برای رهایی از مجازات در اکثر موارد نسبت به پرداخت وجه چک اقدام نموده و دارنده به حقوق خویش واصل می گردد اقامه دعوی حقوقی هر چند مستلزم صرف زمان و هزینه بیشتری است اما از این نظر که صادر کننده به معاذیر مختلفی از جمله سفید امضاء بودن و وعده دار بودن و نمی تواند متوسل شود به نفع دارنده است از طرفی در دعوای حقوقی می توان سایر مسوولین پرداخت چک از جمله ظهنویس و ضامن را خوانده قرارداد و حکم به محکومیت تضامنی آنان به پرداخت وجه چک اخذ نمود حسن دیگر دعوی حقوقی این است که خسارات و هزینه های دادرسی و خسارات تأخیر تأدیه قابل مطالبه است و پس از صدور رأی و در مرحله اجرا نیز چنانچه مالی از محکوم علیه در دسترس و قابل توقیف نباشد طبق ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی می توان درخواست بازداشت وی را تا پرداخت وجه چک نمود .

مراجعه به اجرای ثبت در عمل کمتر مورد اقبال دارندگان چک بلامحل قرار می گیرد. از طریق مراجع ثبتی فقط می توان صادر کننده چک را تحت تعقیب قرار دارد و چنانچه مالی از صادر کننده در دسترس نباشد به هیچ وجه شخص را نمی توان بازداشت نمود علاوه بر آن خسارات تأخیر تأدیه را نیز نمی توان در اجرای ثبت مطالبه نمود البته محاسن این روش علاوه بر سرعت آن نسبت به طرح دعوی حقوقی این است که می توان شخص را ممنوع الخروج نمود و مضافاً بر آن مستلزم پرداخت هیچ هزینه ای در بادی امر نیست.

در پایان پیشنهاد می گردد قانون گذار بانکها را با تنظیم قوانین متناسب در هر صورت مسوول پرداخت وجه چک قلمداد نماید و بانکها با اخذ تضمینهای مناسب نسبت به افتتاح حساب جاری و صدور دسته چک برای افراد اقدام نمایند تا در صورت عدم موجودی حساب بتوانند اقدامات لازم را جهت الزام صادر کننده به پرداخت وجه چک انجام دهند و این امر مستلزم این است که با وضع قوانین مناسب بانک پس از پرداخت وجه چک به دارنده به قائم مقامی او بتواند علیه صادر کننده اقامه دعوی نماید تا از این رهگذر اعتماد به چک به عنوان یک سند تجاری افزایش و حجم دعاوی در رابطه با چک کاهش یابد.